



شماره : 27

نشریه اسلامی



تاریخ: 2018/6/6

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

خاص برای دانشجویان

(ایمان) (فرصت های طلایی برای گناه زدایی)

شخص مومن راست تا درخت ایمانش را چنان بارور سازد که ثمره آن وی را از هر گونه زشت پسندی ها و شرک گزینی ها پاک و مبرا گرداند ، در آن صورت است که لذت و کیفیت شمار ایمان در وجود و ما حولش پدیدار می گردد.

در زندگانی سرای ابدی نیز بنابر رحمت و عنایت بیکران الهی ، (در صورت ایمان و عمل نیکو) ، تقصیرات و گناهانش معاف گردیده ، اقسام نعمت ها و اثمار متنوعه و دیدار حق تعالی نصیب وی

می شود : { قَالِذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ }

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته بکنند ، آمرزش (یزدان شامل گناهان ایشان می شود) و رزق و روزی ارزشمند و پاک و فراوانی (در بهشت) دارند . حج _ 50

اصل ایمان بارزترین و اساسی ترین نقش را در همه جهات حیات معنوی و اجتماعی انسانیت ایفاء

می نماید که فروغ آن آخرت شمول می باشد : { وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ

سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ }

کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام بدهند (ما گناهان ایشان را می بخشیم و

بدیهایشان را محو می کنیم ، و پاداش کارهای نیکشان را به بهترین وجه می دهیم .)
عنکبوت _ 7

این تنها ایمان است که بحر بخشایش را بجوش آورده ، به انسان آرزوی شنایی در آن را می بخشد :

(ایمان آخرت پر جمال کند آنجا مغفرت ذو الجلال کند) (نهضتیار خطیبی)

{ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا }

(بیگمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی بخشد ، ولی گناهان جز آن را از هرکس که خود

بخواهد می بخشد . و هر که برای خدا شریکی قائل گردد ، گناه بزرگی را مرتکب شده است .)
نساء _ 48

اسلام مقدس شرک را به عنوان بزرگترین گناه و افتراء بر ذات اقدس الهی و ناشناسی حقوق الله در

الوهیت و ربوبیت و وحدانیت شدیداً تقبیح نموده ، آنرا مانع سعادت اخروی معرفی می کند .
فضل خداوند تبارک و تعالی بی نهایت است ، لذا کثرت گناهان مانع توبه و استغفار نمی گردد ، پس
ایمان است که همواره امید رحمت و بخشش را در اعماق قلب آدمی به اهتزاز می آورد ، که ترک
ادامه عصیان از ثمرات این امید ایمانی محسوب می گردد .

(باشد اگر ایمان تو قوی هرگز بسوی عصیان نروی) (ن - خ)

{ عن أنس رضي الله عنه قال : سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول : قال الله تعالى :
يا ابن آدم ، إنك ما دعوتني ورجوتني غفرت لك على ما كان منك ولا أبالي ، يا ابن آدم ، لو بلغت
ذنوبك عنان السماء ، ثم استغفرتني ، غفرت لك ، يا ابن آدم ، إنك لو أتيتني بقراب الارض خطايا ثم
لقيتني لا تشرك بي شيئا ، لا أتيتك بقرابها مغفرة }
(انس رضي الله عنه روایت می کند ، از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم شنیدم که می فرمود :
خداوند متعال فرمود : ای فرزند آدم ! تو تا لحظه ای که از من بخواهی و امید به من کنی آنچه را که از
تو سرزند می آمرزم و باکی ندارم ، ای فرزند آدم ! اگر گناهانت به بلندی آسمان برسد و سپس از من
آمرزش طلبی ، آنرا برایت می آمرزم ، ای فرزند آدم ! اگر تو به پری زمین از گناه نزد من بیائی و در حالی
با من روبرو شوی که به من شریک نیاورده باشی ، به پری زمین از آمرزش با تو روبرو می گردم .)
ترمذی
خداوند تبارک و تعالی به سوی امیدواری ترغیب می فرماید :

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

(از قول خدا به مردمان) بگو : ای بندگانم ! ای آنان که در معاصی زیاده روی هم کرده اید ! از لطف و
مرحمت خدا مأیوس و ناامید نگردید . قطعاً خداوند همه گناهان را می آمرزد . چرا که او بسیار آمرزگار و
بس مهربان است .

در تفسیر کابلی آیت فوق الذکر چنین شرح شده است !

(این آیت مقام رفیع عفو و رحمت بی پایان حضرت ارحم الراحمین را اعلان میکند و در حق شدیدترین
مریضان مأیوس العلاج حکم اکسیر شفا دارد . مشرک ، ملحد ، زندیق ، مرتد ، یهودی ، نصرانی ،
مجوسی ، مبتدع ، بدکردار ، فاسق ، و فاجر ، هر چه باشد بعد از اینکه این آیت را بشنود ، سببی
موجود نیست که از رحمت خدا مأیوس شود ، و بکلی قطع امید کند ، زیرا که او تعالی سبحانه
گناهان هر که را بخواهد معاف می کند ، و هیچکس دست او را گرفته نمی تواند بنابراین نباید بنده از

رحمت حضرت او نا امید شود . اینقدر هست که در موقع دیگر ذات اقدس الهی جل جلاله امر فرموده که جرم کفر و شرک را بدون توبه معاف نخواهد کرد ، لهذا (إِنْ اللَّهُ يَغْفِرَ الذُّنُوبَ جَمِيعًا) را با (لِمَنْ شَاءَ) باید مقید دانست ، چنانچه حضرت او عزوجل می فرماید: (إِنْ اللَّهُ لَا يَغْفِرَ إِنْ يَشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرَ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ) النساء - رکوع - 8 .

اما از این تقیید لازم نمی آید که الله تعالی بدون توبه هیچ گناه خورد یا کلان را معاف کرده نمی تواند و نه این مطلب است که برای هیچ یک جرم احتیاج به توبه نیست و بدون توبه همه گناه معاف می شود قید فقط مشیت است ، راجع به مشیت در آیات دیگر وانمود کرده شد که اراده الله به کفر و شرک بدون توبه تعلق نمی گیرد ، چنانچه شأن نزول این آیت هم بر آن دلالت داشته . (ایمان باعث اعمال و کارنامه ها ی مفید توأم با روح اخلاص می گردد ، بالاخره انسان را وا میدارد تا در راستای هدف متعالی اش حاضر به قربانی از قبیل ترک دیار و مبارزه و جهاد بمقصد تحصیل رضای الله جل جلاله شود ، سپری نمودن این همه مراحل وی را به رحمت بیکران الهی امیدوار می سازد . (ایمان + عمل صالح = امید) :

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که هجرت نموده اند و در راه خدا جهاد کرده اند ، آنان رحمت خدا را چشم میدارند ، و خداوند آمرزنده و مهربان است . بقره - 218

اما نومی از فیض و رحمت الهی آئین کافران است : { إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ }
(همانا سخن این است که از رحمت خدا جز گروه کافران نا امید نشوند) یوسف 87

باید خاطر نشان ساخت که صفت مومن این است که به هیچ حال از گرفت ناگهانی و مکر (تدبیر خفیه) خداوندی ایمن نمی شود: { أَقَامُوا مَكَرَ اللَّهِ } فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ
(پس ایمن نمی شوند از مکر خدا مگر گروه زیانکاران .) اعراف - 99

اصول شرعیه دال بر این امر است که قلب آدمی هم خوف و هم امید را بطور مساوی فراهم نماید:
{ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ } وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

(هر آئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده و او نیز آمرزنده مهربان است .) اعراف- 167 .

چون شخص مومن و صالح مقام خود را در بهشت می بیند ، به آن اشتیاق پیدا می کند ، و شخص کافر و یا فاسق با دیدن جایگاه بدش داد و بیداد می نماید ، یاد آوری آن منازل از مقتضیات ایمان به شمار می رود : { عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

إذا وضعت الجنازة و احتملها الناس او الرجال على أعناقهم ، فان كانت سالحة قالت : قدموني ،

قدموني ، و ان كانت غير سالحة قالت يا ويلها ، اين تذهبون بها ؟

يسمع صوتها كل شيء الا الانسان ولو سمعه صق {

(ابو سعيد خدری رضی الله عنه روایت می نماید که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

چون جنازه نهاده شود و مردم آنرا بر شانه ها خویش بردارند ، اگر صالح باشد می گوید: مرا پیش ببرید،

و پیش ببرید ، و اگر صالح نباشد می گوید: وای بر او ، او را کجا می برید؟ به گونه ای که صدایش را

همه چیز جز انسان می شنود ، و هر گاه انسان آن را بشنود بی هوش می شود). بخاری

همچنان در حدیث شریف دیگر چنین وارد است: { الجنة أقرب الی احدکم من شراک نعله و النار مثل ذلک }

(بهشت برای یکی از شما از بند و تسمه کفشش نزدیکتر است و دوزخ نیز همچنان). بخاری

چو جمع آوری بیم و امید با هم دو خواست ایمان کرده ای فراهم (ن - خ)

از ویژگی های ایمان ، ذکر و یاد آوری الله جل جلاله می باشد.

یعنی شخص مومن هم به زبان و هم به دل خداوند تبارک را یاد می نماید که حق تعالی نیز بر او

احسان فرموده مورد مرحمت قرارش می هد {قَادِرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ}

پس مرا یاد کنید (با طاعت و عبادت و دوری از معاصی ، به دل و زبان و قلم و قدم ، و سیر در آفاق و

انفس ، جهت کشف عظمت و قدرت من) تا من نیز شما را یاد کنم (با اعطاء ثواب و گشایش ابواب

سعادت و خیرات و ادامه پیروزی و قدرت و نعمت) و از من سپاسگزاری کنید (و با گفتار و کردار ،

شکرگزار انعام و احسان من باشید) و از من ناسپاسی مکنید (و نعمتهای مرا نادیده مگیرید)
بقره - 152 .

آن یکی ذکر است کاندز زبان شود و آن یکی فکر است کاندز نهان شود

ذکر و فکر گر بود بهر خدا عشق حقت نیز به جان گردد پیدا

(ن - خ)

وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ

پروردگارت را در دل خود ، با فروتنی (در برابر خدا) و هراس (از او) و آهسته و آرام ، صبحگاهان و

شامگاهان یاد کن ، و از زمره غافلان مباش. اعراف - 205

در تفسیر کابلی در مورد آیت فوق الذکر چنین وارد شده است:

(یعنی روح و جوهر اصلی ذکر خدا این است که چیزیکه ذاکر به زبان گوید ، از دل به آن توجه داشته باشد ، تا منفعت کامل ذکر بظهور برسد و زبان و دل هر دو عضو به یاد خدا مشغول شوند ، و در عین ذکر دل از رقت مملو باشد ، به رغبت و یا رهبت حقیقی خدا را یاد کند. چنانکه زاری کنندگان ترسناک به کسی التجا می کنند ، در لهجه ، در آواز ، در هیأت در همه حال علایم تضرع و خوف محسوس باشد. و طبیعی است که از عظمت و جلال ذکر و مذکور آواز پست می شود.

(وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا) طه - 108

از اینجاست که بشدت بلند کردن آواز ممنوع شده ، هر که به آواز ملایم سرا یا جهرًا بذكر الهی بپردازد، خدا نیز او را ذکر می کند ، عاشق را چه سعادت بی‌بندتری از این است. شاعر می گوید:

یار را باید از آغوش نفس کرد سراغ آنقدر دور متازید که فریاد کنید

آیا گاهی تصور نموده یی که گناهان سیل آسا تو را به داستان ترا جیدی فاجعه آمیز مبدل خواهد ساخت؟!

و آیا گاهی فکر کرده ای که هنگام غفلت و قسوت و اعراض از ذکر خدا شیطانی از بهر وسوسه هایت و برابر اغوایت به تو قرین و بر جودت مسلط خواهد شد؟!

(وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ)

هر کس از یاد خدا غافل و روگردان شود ، اهریمنی را مأمور او می‌سازیم ، و چنین اهریمنی همواره همدم و ی می‌گردد (و گمراه و سرگشته‌اش می‌سازد) زخرف- 36

و آیا گاهی هم اندیشیده یی که بالاخره آن شیاطین سلاطین تو شده ، از ذکر حق بازت میدارند؟!

وَأَنَّهُمْ لَيَصْذُوكُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ

شیاطین این گروه را از راه (خدا) باز می‌دارند و (به گونه‌ای گمراهی را در نظرشان می‌آریند که)

گمان می‌کنند ایشان هدایت‌یافتگان حقیقی هستند. زخرف - 37

از غفلت چیره بر تو شیاطین شوند تو رعیت و آنان سلاطین شوند

(ن - خ)

پس بهترین راه بیرون رفت از چنین کویر معاصی همانا چنگ زدن به ریسمان پروردگار مهربان می باشد:

{ عن ابی هريرة رضى الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : كلمتان خفيفتان على اللسان ، ثقيلتان فى الميزان ، حبيبتان إلى الرحمن ، سبحان الله وبحمده ، سبحان الله العظيم { (از ابوهريره رضى الله عنه روايت شده كه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: دو كلمه است كه بر زبان سبك بوده (به آسانی اداء مى شود) و در (ترازوى اعمال) گران و در نزد رحمان جل جلاله محبوب است: سبحان الله و بحمده ، سبحان الله العظيم.

(پاکی است خدا را و به ثنائش تر زبانم ، پاکی است خداوندی را كه بزرگ است). متفق عليه
عن ابی هريرة رضى الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من قال لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك و له الحمد و هو على كل شى قدیر ، فى يوم مائة مرة كانت عدل عشر رقاب و كتبت له مائة حسنة و محبت عنه مائة سيئة و كانت له حرزا من الشيطان يومه ذلك حتى يمسى و لم يأت احد بأفضل مما جاء به الا رجل عمل اكثر منه و قال : من قال : سبحان الله و بحمده فى مائة مرة حطت خطاياها و إن كانت مثل زبد البحر {

(از ابوهريره رضى الله عنه روايت است كه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود : آنكه در هر روز صد بار بگوید (لا اله الا الله وحده ... نيست معبود بر حقى جز الله ، كه يگانه است و شريكى او را نيست ، پادشاهى و حمد ثناء او راست و او بر هر چه خواهد ، قدرتمند است برايش برابر آزاد كردن ده برده است و برايش صد نيكي نوشته مى شود و از او صد گناه كم مى گردد و برايش در آن روز تا شام حفظ و پناهى از شيطان مى باشد و هيچ يك بهتر از آنچه كه وى آورده نمى آورد مگر مردى كه بيش از او عمل نموده است و فرمود : آنكه در روز صد بار سبحان الله و بحمده گويد گناهانش محو مى شود هر چند مانند كف دريا باشند) متفق عليه .

مسلم رحمه الله همچنان از ابوهريره رضى الله عنه روايت مى كند كه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود : آنكه بعد از هر نماز سى و سه بار سبحان الله و سى سه بار الحمد لله و سى سه بار الله اكبر گفته و براى اتمام صد بگويد: لا اله الا الله وحده لا شريك له ، له الملك و له الحمد و هو على كل شى قدیر ، گناهانش آمرزيده مى شود هر چند مثل كف دريا باشد .

{ عن سعد بن أبى وقاص رضى الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ، كان يتعوذ دبر الصلوات بهؤلاء الكلمات : [اللهم إني أعوذ بك من الجبن و البخل ، و أعوذ بك من أن أُرَد إلى أُرذل العمر و أعوذ بك من فتنة الدنيا ، و أعوذ بك من فتنة القبر]

(از سعد بن ابى وقاص رضى الله عنه روايت شده كه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم در عقب

هر نماز به این سخنان پناه می جست (اللهم انی اعوذ بک من الجبن ... و ...) (بار خدایا من از ترس و بخل و از اینکه به پست ترین عمر باز گردانده شوم و از فتنه دنیا و عذاب قبر به تو پناه می جویم) بخاری

همچنان از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:
هرگاه یکی از شما در تشهد بنشیند باید از چهار چیز به خدا پناه جسته و بگوید : (اللهم انی اعوذ بک من عذاب جهنم ، و من عذاب القبر ، و من فتنة المحیا و الممات ، و من شر المسيح الدجال)
(خدایا ! من از عذاب دوزخ و عذاب قبر و از فتنه زندگی و مرگ و از شر فتنه دجال مسیح به تو پناه می جویم). مسلم

همچنان مسلم رحمه الله از ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در سجده اش می فرمود : (اللهم اغفر لی ذنبی کله ، دقه و جله ، و اوله و آخره ، و علانیته و سره) (پروردگارا همه گناهان کوچک و بزرگ و اول و آخر و آشکارا و پنهانم را ببامرز).
{ در حدیث شریف دیگر امام مسلم رحمه الله از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت می کند که گفت : ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بودیم و فرمود : آیا عاجز می شود یکی از شما که هزار نیکی انجام دهد؟ شخصی از همینشان پرسش نموده و گفت: چگونه یکی از ما می تواند که هزار نیکی انجام دهد؟ فرمود: صد بار سبحان الله می گوید ، و برایش هزار نیکی نوشته می شود ، یا اینکه از او هزار گناه کم می شود . }

چون موضوع بحث زدودن گناه است و خواهی نخواهی معصیت هایی و اشتباهاتی کم و بیش آگاهانه و غیر آگاهانه از آدمی زاد سر می زند .

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: { کل ابن آدم خطاء ، و خیر الخطائین التوابون }
(همه فرزندان آدم خطاکارند ، و بهترین خطاکاران توبه کنندگانند) . ترمذی و ابن ماجه و احمد

لذا اذکار فوق الذکر بعنوان نمونه نگاشته شد تا به تمسک جستن به آنها و سایر اذکار مستونه ، الله متعال گناهان را کاسته و ما را ببامرزد .

ذکر حق گناهت می زداید ذکر حق ثوابت می فزاید
(ن - خ)

(فرار من الزحف) یعنی از جهاد گریختن و در جنگ به کفار پشت نشان دادن ، گناه بسیار سخت بل (اکبر الكبائر) است .
خداوند تبارک و تعالی می فرماید : { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفُوا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ

ای مؤمنان ! هنگامی که با انبوه کافران (در میدان نبرد) روبرو شدید ، بدانان پشت نکنید (و فرار ننمائید)

وَمَنْ يُولُوهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرُهُ إِلَّا مَتَحَرِّقًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ يَغْضَبُ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَيُنْسَ

الْمَصِيرُ {

هرکس در آن هنگام بدانان پشت کند و فرار نماید - مگر برای تاکتیک جنگی یا پیوستن به دسته‌ای گرفتار خشم خدا خواهد شد و جایگاه او دوزخ خواهد بود، و دوزخ بدترین جایگاه است. سوره انفال 15 - 16 رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرار از جهاد را هلاک کننده نامیده است . در حدیث متفق علیه از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : { اجتنبوا السبع الموبقات } (از هفت چیز مهلک بترسید) و از آن جمله فرمود: { و التولی يوم الزحف } (و پشت گرداندن در روز جنگ) .

ولی توبه صادقانه توأم با استغفار مخلصانه که از ته دل سر چشمه گیرد باعث خواهد شد چنین یک گناه بزرگ و سایر گناهان کبیره (البته حقوق العباد مستثنی می باشد) مورد مغفرت الهی واقع شوند ، که نمایانگر فضل واسع پروردگار عظیم است .

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: آنکه بگوید : { استغفروا لله الذی لا اله الا هو الحی القيوم و أتوب الیه } (آمرزش می طلبم از خداوندی که معبودی بحق جز او نیست ، او زنده و پایدار است ، و بسویش توبه و بازگشت می کنم) گناهانش آمرزیده می شود هر چند از میدان جنگ فرار کرده باشد { .

رواه ابوداود و الترمذی و الحاكم و قال: حدیث صحیح علی شرط البخاری و مسلم .

بدیهی است که شخص هوشیار استفاده از چنین فرصت های طلایی برای گناه زدایی را ضایع نخواهد کرد.

توبه:

از ابوبکر رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نیست بنده ای که گناهی را انجام دهد، سپس به طور نیکو طهارت نموده و دو رکعت نماز بخواند ، سپس از آن از خداوند طلب مغفرت کند ، مگر اینکه وی را می بخشد ، سپس این آیه را قرائت کرد : { وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ }

(چون کار زشت کنند یا ستم کنند بر خود ، یاد کنند خدا را) آل عمران - ۱۳۵ . (ابو داود و ابن ماجه)

چون بنده از گناهش به طور صادقانه نادم شود ، باید یقین نماید که خداوند جل جلاله وی را بخشیده است که گویا گناهی را مرتکب نشده باشد.

ابن ماجه و طبرانی از ابن مسعود رضی الله عنه روایت می کنند که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: { التائب من الذنب کمن لا ذنب له } (توبه کننده از گناه مانند کسی است که گناهی نکرده است) .

از یأس و تردید در این مورد اجتناب ورزیده شود ، زیرا بسا اوقات تردید و تشکیک وسوسه شیطان که راهی بسوی گناه و جرم است را باز می نماید.

کرد پیغمبر زین قاعده ات آگاه که تائب از گناهست چو بی گناه
بیهوده وسوسه و شک مکن پس که ابلیس باز گشاید راه هوس

(ن - خ)

وضوء:

وضوء یکی از عبادات با فضیلت و یکی از اسباب کفاره گناهان به شمار می رود، وضو کننده باید نیت تقرب جستن به الله و پیروی سنت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم را فراموش نکند ، این کار وی را بسوی اتقان و احسان در طهارت ترغیب خواهد نمود.
گناهان صغیره آدمی در اثنای وضو از دست و روی و پا و حتی از دقیق ترین و نازک ترین مکان یعنی زیر ناخن هایش بیرون می شود.
لطفاً به احادیث ذیل توجه فرمایید:

[عن عثمان بن عفان رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من توضأ فأحسن الوضوء خرجت خطايا من جسده حتى تخرج من تحت أظفاره]
(از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:
کسیکه وضوء کند و نیکو وضوء نماید ، گناهانش از بدنش بیرون می شود ، تا اینکه از زیر ناخن هایش می برآید) . مسلم
[و عنه قال: رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم توضأ مثل وضوئي هذا ثم قال: من توضأ هكذا غفر له ما تقدم من ذنبه و كانت صلاته و مشيه إلى المسجد نافله]
(همچنان از عثمان بن عفان مروی است که گفت : من رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را دیدم ، که مثل این وضویم وضوء ساخت و فرمود: کسیکه این گونه وضوء کند گناهان گذشته اش آمرزیده می شود و نماز و رفتن او به مسجد برایش نافله به حساب می رود) (مسلم)
[عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: إذا توضأ العبد المسلم أو المؤمن فغسل وجهه فخرج من وجهه كل خطيئة نظر إليها بعينه مع الماء أو مع آخر قطر الماء ، فإذا غسل يديه خرج من يديه كل خطيئة كان بطشتها يداه مع الماء أو مع آخر قطر الماء ، فإذا غسل رجليه خرجت كل خطيئة مشتها رجلاه مع الماء أو مع آخر قطر الماء حتى يخرج نقياً من الذنوب]
(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: چون بنده

مسلمان یا مومن وضوء سازد و رویش را بشوید ، هر گناهی که با چشمانش به سوی آن نگریسته ، از رویش همراه آب یا با آخرین قطره های آب می برآید ، و چون دست هایش را بشوید ، هر گناهی که دستهایش به چنگ زده با آب یا با آخرین قطرات آب می برآید ، و چون پاهایش را بشوید هر گناه که پاهایش بسوی آن رفته ، با آب یا با آخرین قطرات آب می برآید تا اینکه از گناهان پاک بیرون می شود).

مسلم

[و عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: ألا أدلكم على ما يحوو الله به الخطايا ويرفع به الدرجات ؟ قالو: بلى يا رسول الله ، قال : اسباغ الوضوء على المكاره و كثرة الخطا إلى المساجد ، و انتظار الصلاة بعد الصلاة فذلكم الرباط فذلكم الرباط]

(و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: آیا شما را به چیزی که خداوند تعالی بوسیله آن گناهان را محو نموده ، و درجات را بلند می برد راهنمایی نکنم؟ گفتند: آری یا رسول الله . فرمود: تمام کردن وضوء بر سختی ها (مانند سردی و گرمای زیاد) و بسیار گام زدن بسوی مساجد ، و انتظار نماز بعد از نماز ، پس این است موقفی که باید بر آن پایبند باشید ، و این است موقفی که باید بدان التزام کنید.) مسلم

طهارت عیب و عصیانت بشوید طهارت نقص و نقصانت بشوید

طهارت که مفتاح هر نماز است عبادت هم به ذات بی نیاز است

(ن - خ)

پس اینچنین فرصت های طلایی برای گناه زدایی را غنیمت شماریم.

أذان

مسلمان راست تا از دل و جان در این فراخوان جهانی و دعوت همگانی سهم فعالی را حایز گردد و با ندای زیبای مخلصانه خویش مردم را بسوی مسجد فرا خواند تا به اندازه مسافت آواز وی مغفرت الهی برایش حاصل گردد [عن البراء بن عازب رضی الله عنه أن نبی الله صلی الله علیه و آله وسلم قال: إن الله و ملائکته یصلون علی الصف المقدم ، و المودن یغفر له بمد صوته ، و یردقه من سمعه من رطب و یابس ، و له مثل أجر من صلی معه]

(از براء بن عازب رضی الله عنه روایت است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: همانا خدای بزرگ و فرشتگانش بر صف جلو درود می فرستند و برای مودن به اندازه مسافت و فاصله آواز وی آمرزش می گردد ، و هر چیزی از تر و خشک که اذانش را می شنود وی را تصدیق می کند و برای او مانند اجر و پاداش کسی نصیب می شود که با وی نماز می گزارد)(نسایی و احمد رحمه الله

همچنان از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که چون اذان را می شنود ، بگوید: أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شریک له ، و أن محمدا عبده و رسوله ، رضیت بالله ربا ، و بمحمد رسولا و بالاسلام دینا ، (گواهی می دهم که معبود بر حقی جز الله نیست و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده خداست و به ربوبیت الله و رسالت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و دین اسلام راضی شدم) گناهانش آمرزیده می شود. [(مسلم)

و [عن جابر رضی الله عنه أن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم قال : من قال حين يسمع النداء : اللهم رب هذه الدعوة التامة ، و الصلاة القائمة ، آت محمدا الوسيلة و الفضيلة ، و ابعثه مقاما محمودا الذي وعدته ، حلت له شفاعتي يوم القيامة]

(از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که چون اذان را بشنود بگوید: اللهم رب هذه پروردگارا خداوند این دعوت تام و درود ثابت برای محمد صلی الله علیه و آله وسلم فضیلت را ارزانی کن و او را به مقام نیکویی بفرست که به وی وعده کرده ای ، در روز قیامت شفاعتم برایش لازم می شود.) (بخاری)

چون در این مختصر موضوع ما جستجوی آمرزش الهی است لذا به ذکر آن احادیث شریف که دلالت به مغفرت دارد اکتفاء شد ، الله متعال توفیق عنایت فرماید که از این فرصت های سهل و آسان اما بی نهایت مفید استفاده شایسته و بایسته را نمائیم . آمین

کند هر کس خلق را بسوی حق ندا بخشد او را به طور مطلق خدا (ن - خ)

رفتن بسوی مسجد:

از این فرصت خیلی ها با ارزش ولی سهل و آسان استفاده اعظمی صورت پذیرد ، زیرا محض با رفتن بسوی مسجد علاوه از اینکه گناهان آمرزیده می شود مرتبه انسان نیز بلند می رود ، عموما منازل تا مساجد فاصله های کم و بیشی را دارند ، حتی کوچکترین فاصله اقدام زیادی را در بر می گیرد ، خاصا که آمد و شد هر دو مطرح است: [عن ابی هريرة رضی الله عنه أن النبی صلی الله علیه و آله وسلم قال: من تطهر فی بینه ثم مضى إلى بیت من بیوت الله ، ليقضی فريضة من فرائض الله کانت خطواته إحداها تحط خطیئة و الاخری ترفع درجة]

(از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که در خانه خود طهارت نموده و سپس به خانه ای از خانه های خدا (مسجد) برود تا فرضی از فرائض خدا را ادا کند ، یکی از گناهانش را کم نموده و گام دیگر مرتبه او را بلند می برد) (مسلم)

برای حصول فضیلت مذکور در حدیث فوق ، با طهارت از مسکن بسوی مسجد رفتن رعایت شود ، البته منزل ذکر شد ، چون عموماً مردم از خانه به مسجد می روند ، ولی طهارت کردن از محل کار و یا از هر جا که قصد مسجد نماید با فضیلت مذکور در حدیث منافات ندارد.

کثرت اقدام جهت کسب فضیلت تاکید شده است:

[امام مسلم رحمه الله از ابوهیره رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر اسلام علیه الصلاة و السلام فرمود: أَلَا أَدْلِكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا ، وَ يَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتُ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ: إِسْبَاغُ الْوُضْءِ عَلَى الْمَكَارَةِ ، وَ كَثْرَةُ الْخَطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ ، وَ انْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ ، فَذَلِكَ الرِّبَاطُ ، فَذَلِكَ الرِّبَاطُ .]

(آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که با آن گناهان محو گشته و درجات بلند شود؟ گفتند آری یا رسول الله ، فرمود: کامل ساختن وضوء در سختی ها (مانند سردی و گرمی) و گام زدن بسوی مساجد و منتظر ماندن برای نماز ، بعد از ادای نماز ، پس آن است قرارگاه شما ، پس آن است قرارگاه شما .)

[عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: صلاة الرجل في جماعة تزيد على صلاته في سوقه و بيته بضعا و عشرين درجة و ذلك أن أحدكم إذا تَوَضَّأَ فاحسن الوضوء ثم أتى المسجد لا يريد إلا الصلاة ، لا ينهزه إلا الصلاة ، لم يخط خطوة إلا رفع له بها درجة ، و حط عنه بها خطيئة حتى يدخل المسجد ، فإذا دخل المسجد كان في الصلاة ما كانت الصلاة هي التي تحبسه ، و الملائكة يصلون على أحدكم ما دام في مجلسه الذي صلى فيه ، يقولون: اللهم ارحمه ، اللهم اغفر له ، اللهم تب عليه ، ما لم يؤذ فيه ، ما لم يحدث فيه]

(از ابوهیره رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نماز شخص در جماعت بیست و چند درجه بر نمازش در خانه و بازارش برتری دارد . زیرا هرگاه یکی از شما درست وضوء بسازد و سپس فقط به منظور ادای نماز به مسجد بیاید و هیچ امری جز نماز او را به سوی مسجد نراند ، هیچ قدمی نمی گذارد مگر اینکه در برابر آن یک درجه مقامش بالا می رود ، و یک گناهش کم می شود تا به مسجد می رسد ، چون به مسجد در آید ، تا هنگامی که نماز مانع برآمدنش شود ، گویی در نماز می باشد و اجر آن را می برد و فرشتگان تا مادامیکه یکی از شما در جای نماز خواندش نشسته باشد بر وی دعا می فرستند و می گویند: خدایا بر وی رحمت بفرست ، خدایا او را پیامبر ، خدایا توبه اش را بپذیر ، تا لحظه ای که کسی را در آن اذیت نکرده ، یا بی وضوء نشود .) متفق علیه

البته احادیث دیگری در مورد اینکه آمد و شد به مساجد باعث مغفرت گناهان می شود نیز وجود دارد .
 ایجاد پل مستحکم غیر متزلزل میان منزل و مسجد از ذکاوت اجتماعی و درایت ایمانی رسالتمند
 نمایندگی می کند، و چون دیو فتنه های بیرون منزل با اقسام گوناگون نیرنگ ها و تقلب ها و فرصت
 طلبی ها به فکر و عمل آدمی راه یافته و با نقاط ضعف مانند خوف ، نگرانی حرص و آز ، و هوا و هوس
 و سایر انواع نفس پروری معامله می نماید، و بسا اوقات و گاهگاهی بنی آدم را در ورطه امراض
 باطنی و بیمارهای ظاهری می افکند ، لذا ضرورت مبرم محسوس می شود که آمد و شد مسلمانان
 در محیط خارج از منزل ، در بازارها و محل کار ، و مهمانی ها ، مساجد محور باشد ، که این عمل در
 حقیقت فرار از آفات مرئی و غیر مرئی به سوی مغفرت و عافیت الهی می باشد.

از ته دل ای جان گویم سلام ترا	زان پس ز مسجد رسانم پیام ترا
هر قدم بدینجا می کاهد گناهت	رفعت می یابد مقام به هر گام ترا

(ن - خ)

(نمازهای پنجگانه)

چون مسلمان همواره در پی دریافت طرق و راه های مغفرت و بخشش الهی است ، لذا نماز را از
 مهمترین عباداتی دانسته که باعث مغفرت گناهان می شود ، و از آن استفاده اعظمی را می نماید.
 چنانچه معلوم است در داستان اسراء و معراج بیان شد که نماز بر امت رسول آخر زمان علیه الصلاة و
 السلام پنجاه بار در یک روز فرض شد ولی بتدریج در همانجا به پنج نماز کاهش یافت ، که اجر و
 پاداش آن همان پنجاه است ، هرگاه تصور نماییم که بالفرض همان پنجاه در یک روز فرض می شد ،
 ادایش چگونه تمام می شد ، زیرا در آنصورت بعد از وقفه های مختصر یک نماز فرض می شد، مثلا
 پس از صرف غذا فوراً به نماز می شتافتیم ، اکنون که بنابر فضل بیکران الهی پنجاه نماز به نمازهای
 پنجگانه مختصر شد وابستگی به ذکاوت و درایت ما دارد که تا چه حد از این فرصت های زرین در جهت
 زدودن گناهان استفاده بعمل می آوریم . در ذیل به ذکر چند حدیث شریف اکتفاء می نماییم:
 [عن ابی هريرة رضى الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: أرايتم لو أن
 نهرا بباب أحدكم يغتسل منه كل يوم خمس مرات هل يبقى من درنة شيء؟ قالوا: لا يبقى من درنة
 شيء قال: فذلك مثل الصلوات الخمس يمحو الله بهن الخطايا]

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود: خبر دهید که هرگاه به دروازه یکی از شما جویی باشد و وی روزانه پنج بار در آن غسل کند آیا از چرکهایش چیزی می ماند؟ گفتند: از چرکهایش چیزی نمی ماند ، گفت پس این مثل نمازهای پنج وقت است که خداوند بوسیله آن گناهان را محو می نماید). متفق علیه

[و عن جابر رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم : مثل الصلوات الخمس كمثل نهر غمر جار علی باب احدكم یغتسل منه كل يوم خمس مرات]

(از جابر رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مثل نمازهای پنجگانه مانند جوی پر آبی است که بر دروازه خانه یکی از شما جاری باشد و او روزانه در آن پنج بار غسل نماید.) مسلم

[و عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم قال: الصلوات الخمس و الجمعة الى الجمعة كفارة لما بينهن ما لم تغش الكبائر]

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نمازهای پنجگانه و جمعه تا جمعه کفاره است برای گناهانی که در میان شان واقع می شود تا مادامیکه گناهان کبیره انجام نشود) مسلم

[عن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم يقول: ما من امری مسلم تحضره صلاة مكتوبة فيحسن وضوها و خشوعها و ركوعها الا كانت كفارة لما قبلها من الذنوب ما لم توت كبيرة و ذلك الدهر كله]

(از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت شده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود: هیچ مسلمانی نیست که هنگام نماز فریضه اش برسد و او نیکو وضو نموده و خشوع و رکوعش را بوجه نیکو بجای آورد ، مگر اینکه کفاره است برای گناهان پیش از آن تا زمانی که گناهان کبیره انجام نشده باشد و این امر در تمام وقت جاری است) . مسلم

[عن عثمان رضي الله عنه أن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم قال: من أتم الوضوء كما أمره الله عزوجل فالصلوات المكتوبات كفارات لما بينهن]

(کسیکه وضو را کامل و تمام انجام دهد همانطوریکه الله عزوجل وی را امر نموده است (در آنصورت) پس نمازهای فرض کفاره گناهان اند که در میان آن ها واقع می شود) امام احمد (۴۰۶/۱)

[عن عبادة بن الصامت رضي الله عنه أنه سمع رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم يقول: ما من عبد يسجد لله سجدة ، الا كتب الله له بها حسنة ، و محا عنه بها سيئة ، و رفع له بها درجة ، فاستكثروا من السجود]

(از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت است که وی از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنید

که فرمود: هیچ بنده ای نیست که برای الله جل جلاله سجده یی می نماید مگر اینکه الله جل جلاله برای وی به سبب آن یک ثواب می نویسد ، و از وی به سبب آن یک گناه وی را محو می نماید و به سبب آن (سجده) برای وی درجه ای وی را بلند می نماید پس زیاد سجده نمائید. (ابن ماجه (۱۴۳۴)

مداومت و مواظبت داشتن به نمازهای پنجگانه و سایر نوافل البته با رعایت کردن خضوع و تذلل در برابر عظمت و جلال الهی چنان احساس متعالی را در وجدان و ضمیر نماز گزار رشد و نمو داده، بالاخره به حد کمال می رساند که همانگونه که در اثنای ادای نماز از ارتکاب گناه و جرایم بر کنار است پس از ادای نماز نیز فعل معاصی در ضمیر وی تضعیف و ناتوان می گردد که پیامد مذکور از بارزترین اسرار و رموز تکفیر سیئات با این عبادت عظیم به شمار می رود.

در این فتنه و آشوب زمانه سیلاب معاصی را چاره بدان
سپیل عصیان کی گنجد به پیمانه نوافل با صلوات پنجگانه
(ن - خ)
علاوه از آنچه ذکر شد ، موارد ذیل از جمله اسباب شرعی آمرزش و مغفرت گناهان به شمار می روند، که طبعاً هر مرد و زن با ایمان آنها را با سایر اذکار و افعال از (فرصت های طلایی برای گناه زدایی) دانسته و ضایع نخواهد کرد. و من الله التوفیق

- ۱- صف اول نماز جماعت .
- ۲- (آمین) گفتن عقب امام .
- ۳- (اللهم ربنا لك الحمد) گفتن پس از رکوع .
- ۴- قیام الیل .
- ۵- نماز نفل با خشوع و حضور قلب .
- ۶- نماز توبه .
- ۷- نماز در بیت المقدس .
- ۸- اعمال مسنونہ جمعہ .
- ۹- روزه ماه رمضان .
- ۱۰- قیام رمضان .
- ۱۱- قیام لیلة القدر .
- ۱۲- روزه عرفه .
- ۱۳- روزه عاشورا .
- ۱۴- پرداختن زکات و صدقه .
- ۱۵- حج و عمره .
- ۱۶- مصایب و متاعب .
- ۱۷- شهادت در راه خداوند جل جلاله .
- ۱۸- مبتلا شدن به امراض .
- ۱۹- ترک کردن گناهان کبیره .
- ۲۰- عفو و بخشش و گذشت .
- ۲۱- مصافحه کردن .

- ۲۲- خواب نمودن با طهارت .
 ۲۳- ترحم نمودن بر جانوران .
 ۲۴- خواندن [الحمد لله الذی أطعمنی هذا الطعام و رزقنی من غیر حول منی و لا قوة] پس از غذا خوردن.
 ۲۵- خواندن [الحمد لله الذی کسانى هذا الثوب و رزقنی من غیر حول منی و لا قوة] هنگام لباس پوشیدن.
 ۲۶- مسامحه کردن در معامله .
 ۲۷- سبقت جستن در صلح .
 ۲۸- شرکت کردن در مجالس علم .
 ۲۹- طلب علم .
 ۳۰- غسل دادن میت با ستر کردن عیوب آن.
 ۳۱- عیادت مریض .
 ۳۲- موی سفید در اسلام .

البته طوریکه که قبلا ذکر شد ، اسباب آمرزش و مغفرت گناهان بیش از این می باشد که از الله متعال توفیق عمل استدعا می نمایم . آمین

نفس تو زنده و شیطان در کمین خدا را ای بنده خدا را بین

نفس و شیطان از حکمت او بود عفو و غفران مرحمت او بود

خواهی ز دنیا روی پاک و نقی در پی مغفرت باش ای تقی
 (ن - خ)

حذر نهضت‌های خدایی